

مقدمه‌ای بر :

شناختنامه

و

پیشینه

حسابداران

● محمد شلیله

دربارخی بابیش از آن از شماره های آتی نشریه ، بخشسی از صفحات به " شناختنامه و پیشینه ی حسابداران " اختصاص خواهد داشت . که در این شماره بمنظور آگاهی هرچه بیشتر خوانندگان ، به معرفی اهداف و توضیح روش کار در این باره می پردازیم .

هدف :

" انسان " هرآنگاه که وجهی از هستی به او روی نموده بـــ شناخت آن روی آورده و به کشفش پرداخته ، و به کشف هر قلمروئی از هستی که نایل آمده خواسته تا آنرا تحت سیطره ی خویش در آورد ، و بعضاً به آن توفیق یافته است . چندان که موقعیت هر حوره ای از حیات پیش از کام نهادن او در آن ، با آنچه پس از آن دیگر یکی و همان نمانده است . و اگر چه جهان هستی در کلیت خود در برابر انسان و بسا که در مصاف با اوست ، اما او به روشنی اگر نه بر همه ی هستی فائق آمده باشد ، لا اقل جنبه هائی از آن را عرصه ی آزمون

و عمل خویش و به سود خویش گردانیده است . یعنی آنکه حضـور
انسان در بطن هستی و در عین وابستگی و پیوند با آن ، اراستـقلال
متضمن عمل و مسئولیت برخوردار بوده است .

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه ی فال بنام من دیوانه زدند

(حافظ)

ا ز این دیدگاه او خالق هیچ چیز نیست ، بل کاشف همه چیز
است . مگر آنچه از سخت و نرم افزاری را که بکار شناخت و عمل
اومی آمده و مگر که بتوان این یک رابه خلاقیت اونسبت داد . و
انگاز میان این توضیح رابطه ی به زبان ساده اما در بنیان
پیچیده ی انسان - ابزار - هستی سر برمی آورد . که هماره این هر
سه نیز در کار تعامل متضمن تاثیر و تاثر متقابل بر یکدیگرند . و از
این پیچیده تر نیز شاید . از آن روی که این هر سه در همان حال که
در نزد نظرها ، چونان عناصری سه گانه به دیدار ما می آیند ، در عمل
اما در غیاب ما (انسان) به مثابه عین هستی ، در هیئتی یگانه
پدیدار می شوند . و از این نیز پیچیده تر حتی ، که از جمله اشکال
کمی پیچیده تر آن می توان از رابطه ی فرضی و دروجهی عام مانند
انسان - ابزار - ابزار - انسان - هستی یاد کرد . و این
رابطه را بامابه ازای محسوس آن و دروجهی مشخص مانند مردم -
حسابداری - اقتصاد - صنعت - اجتماع - منابع نیز نشان داد . و این
رابطه که باز بانوعی گزینش از میان تنوع بیشتری برگزیده شده ،
در ساده شده ترین صورت می خواهد نشان دهد که چگونه مردم به
دستیاری ابزار ، از مواهب طبیعی سود می جویند . یعنی آنکه بسا
نگریستن بر آن ، بادیده ای خطاپوش درمی یابیم :

" مردم (انسان) تقریباً " بکار گرفتن صنعت ، یعنی گونه
ارنظام سخت افزاری (ابزار) ، و یادش مانده که نگفته بسا
مددجستن از گونه ای دیگر از نظام نرم و سخت افزاری ، یعنی
" فن شناسی " ، عرصه ای از " هستی " - منابع - را در اختیار

نظامی شاید نرم افزاری - اجتماع (انسان) - قرارمی دهد ،
تا این بامدد گرفتن از نظامی دیگر و نرم افزارگون - اقتصاد -
وباهمکاری و مساعدت نظامواره ای سخت و نرم ا فـزـاری -
حسابداری - آنرا بین مردم (انسان) توزیع کند و حساب و
کتاب آنرا روشن گرداند . "

این همه که به گفتن یادرواقع به نوشتن آسان است ، در روی
دادن مشکل می نماید . از نوشتن این همه اما، میتوان نتیجه گرفت
که جای انسان در این میان کجاست . و بسا که گفته شده ، همه جا
جای اوست . همه چیز به اعتبار او قابل اعتناست . و تاکید کرده
باشیم که به گمان ما پرداختن در هر باره ای مستلزم پرداختن به او
است . چه از آن روی که هر رویدادی در پیش روی او روی می دهد ،
موضوع توجه او و مورد عمل او قرار می گیرد و چه از آن روی که در
خدمت اوست . و مضمون حرفه ی ما - حسابداری - نیز که چونان
ابزاری در دست انسان است برای سنجش و در خدمت او بـسـرای
گزارش به او ، فرآورده ی هوش و بینش اوست و تکاملش نیز که در
گرو بذل توجه هموست ، از این قاعده مستثنی نیست . و بر بنیاد
چنین برداشت هائی و ملاحظات محتوی آن پرداختن به " حسابداری " ،
بی قید و شرط منوط به پرداختن به " حسابداران " است . و شاید از
روست که نشریه ی ما ، " حسابدار " است و " حسابداری " نیست .
که در مقام مقدم داشتن هر یک از این رو ، اولویت با " حسابدار " و با
" حسابداران " است و پس آنگاه نوبت با " حسابداری " .
" شناختنامه و پیشینه ی حسابداران " در پی آن است که به
این مهم ، یاباه این مهم ترین بپردازد .

روش کار :
=====

۱- " شناختنامه و پیشینه ی حسابداران " در نظر دارد تـسـا
حسابداران را در هر طیف متنوع احتمالی که قراردادارند، از حسابداران
تجربی تا نظریه دانان و نظریه پردازان حسابداری را مورد توجه قرار

دهد و در نخستین تجربه این کار را از طریق مصاحبه با ایشان آغاز نماید . که مصاحب ما می تواند معین نویسنده تعاونی شماره چندمستقر در ترمینال خزانہ ، مدیریت مالی سازمانهای بزرگ کشور یاد دفتر نویسنده شرکت تعاونی دباغان شهر کستانی در بلوچستان ، یا استاد حسابداری دانشگاه باشند . و در این اولین قدم ، بی گمان پیش بینی هیچ آداب و ترتیبی برای چگونگی اجرای این مصاحبه ها ممکن نبوده ، جز آنکه مصاحبه کننده و مصاحبه شونده در کنار یکدیگر قرار گیرند ، تا نخستین گام برداشته شود و راحت و آسودگی به گفتگو بنشینند ، تا کار آغاز گردد ، به همین سادگی . بی نیاز از توضیح نیست اما که ، طرح کلی کار بر بینهی متکی بوده که بنیاد آنرا در " هدف " آورده ایم و نیازمند یادآوریست که بسا از دل هر تجربه ، و تجربه های بعدی بتوان به طرحی منظم نیز دست یافت .

۲- انتخاب " حسابداران " نیز برای مصاحبه بر معیار ویژه ای متکی نیست . بدیهی است حسابداران و منجمله نگارنده با افراد دیگری از اعضای این حرفه آشنائی داشته باشند . و کفایت وقتی پذیرفته ایم که به معرفی حسابداران در متنوع ترین طیف آن بپردازیم ، پس تهیه کننده در برخورد با همکاران خویش به این کار نیز توجه داشته باشد و بدیهی است با این همکاران مسئله را طرح و با آنان که به این امر تمایل نشان دهند ، هماهنگی لازم را به عمل آورد . به همین آسانی . مگر آنکه پس از چاپ اولین مصاحبه ، اعضا حرفه در این باره به صورت تهیه کننده رایاری دهند . همکارانی را معرفی نموده یا خود را طلب شوند و مادست ایشان را برای این همکاریها ، به گرمی بفشاریم .

۳- مصاحبه ها گاهی تا یک ساعت و نیم بطول می انجامد . چنین می کنیم که هیچ حرفی برای مصاحب ناگفته و برای مخاطب ناشنیده نماند . اما به دلیل طولانی بودن ، انعکاس کامل آن همیشه ممکن و عملی نیست و بعضاً حتی لازم نمی شود . در این حال از مصاحبه شونده اجازه می گیریم که ما را به گزینش از میان آنچه گفته یا شنیده اند مجاز بدانند و در نتیجه در چنین مواقعی کمتر به انتقال صورت واقعی

گفتگو ، جز در موارد با اهمیت و حساس ، موفق می شویم . اما سعی می کنیم که هیچ نکته ی ظریفی را از دست نداده باشیم . و چنانچه در درج مصاحبه ها کمتر از الگوی گفتگو استفاده نمائیم ، بیشتر از ترکیب توضیح ، گفتگو و نقل و قول سود خواهیم جست .

۴- همچنین در نظر داریم تفسیری ، متضمن نتیجه گیری را از فضای مصاحبه به دست دهیم و در معرض قضاوت خوانندگان قرار داده شود و در این باره به محتوی مصاحبه ها از دیدگاه خواهیم نگرینست . از دیدگاه مدیریت و از دیدگاه حسابداری .

